

چالش‌ها و تهدیدات فرهنگی انقلاب اسلامی

صادق سلیمی بنی

عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

با وقوع انقلاب اسلامی در پهنه جغرافیایی ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷ ه. ش، نظام سیاسی جمهوری اسلامی جایگزین نظام پادشاهی گردید. شناسایی چالش‌ها و درک تهدیدات، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت ملی کشورهاست و کشف و استخراج متغیرهای فوق، ارتباط تنگاتنگی با تأمین یا کاهش و حتی از میان رفتن امنیت ملی واحدهای سیاسی مستقل (کشورها) دارد؛ در مقاله حاضر سعی خواهد شد؛ چالش‌ها و تهدیدات فرهنگی نظام برآمده از انقلاب اسلامی با رویکردی آسیب‌شناسانه، استخراج و تبیین گردد. برای یکسان‌سازی تلقی‌ها از مفاهیم و کلیدواژه‌های بکار رفته در مقاله، ابتدا تعریف آنها در پی می‌آید، سپس چالش‌ها و پس از آن تهدیدات فرهنگی نظام جمهوری در سال‌های پایانی دهه سوم انقلاب خواهد آمد.

۱. تعریف مفاهیم

چالش‌های فرهنگی

عوامل، پدیده‌ها، موقعیت و شرایط گوناگون نابهنجار فرهنگی که زمینه‌ساز تحمیل خسارت، فریب و حتی شکست یک نظام سیاسی می‌گردد را چالش‌های فرهنگی می‌گویند.

چالش‌ها علاوه بر عرصه فرهنگی می‌تواند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و مانند آن مصداق پیدا کند.

نکته مورد تأکید و در خور توجه، این است که چالش‌ها در هر نظام سیاسی جنبه درونی هم دارد و عوامل داخلی در شکل‌گیری و استمرار آن نقش دارند. از این رو میزان تبدیل چالش‌ها به قوت‌ها و افزایش دامنه قوت‌ها و کاهش میزان چالش‌های یک نظام سیاسی، نقش به‌سزایی در تعیین معدل هنرمندی هیأت حاکمه کشورها دارد.

تهدیدات فرهنگی

مقاصد، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات گوناگون رقبا و دشمنان در عرصه فرهنگی که به منظور ممانعت از موفقیت و ایجاد مخاطره در دستیابی به علائق، مقاصد، منافع بنیادین و تخریب ارزش‌های فرهنگی و امنیت ملی یک کشور، اعمال می‌شود، تهدید فرهنگی گفته می‌شود.

گوناگونی و تنوع تهدیدات متوجه یک نظام سیاسی علاوه بر عرصه فرهنگی، در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی - امنیتی نیز پدیدار می‌شود.

ارتباط تنگاتنگی میان فرصت‌ها و تهدیدات وجود دارد، به نحوی که عدم استفاده حاکمان هر کشوری از فرصت‌های پیش آمده (فرصت‌سوزی) موجب قرار دادن فرصت به رقبا و دشمنان و نیز شکل دادن تهدیدات تازه‌ای علیه خودشان می‌شود. بنابراین هنر دولتمردان هر کشور، در تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها و بهره‌برداری بهینه از آنهاست.

۲. قوت‌های فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران در عرصه فرهنگی از استعدادها، قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های متعددی برخوردار است که پویایی و بالندگی شهروندان و جامعه ایران را سبب شده است. به مهم‌ترین قوت‌های فرهنگی این نظام که بدین قرار است، اشاره می‌شود:

۱. تطبیق فرهنگ عمومی با آموزه‌های اسلام.

۲. برخورداری از تمدن کهن ایرانی - اسلامی.

۳. وجود مراجع، علما، روحانیت، حوزه‌های علمیه و رابطه مردم با مرجعیت که از نظر

اعتقادی یکی از مهم‌ترین قوت‌های فرهنگی کشور است.

۴. وجود مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و برگزاری مراسم عبادی و سیاسی در آنها.
۵. برقرار بودن نمازهای جمعه و جماعات و وحدت و همگرایی اعتقادی مردم در آن اجتماعات.
۶. روحیه ایثار، جهاد و شهادت‌طلبی که پس از انقلاب و جنگ در ملت پدیدار گشته است.
۷. بهره‌مندی از آثار دفاع مقدس به عنوان ذخیره‌ای معنوی و فرهنگی.
۸. تکثیر مطبوعات، کتب، مجلات، مراکز تحقیقاتی و پژوهشی کارآمد، مفید و سودمند.
۹. تأسیس انجمن‌ها و سازمان‌های خیریه مردمی غیر دولتی خودگردان از مشارکت‌های مردمی همانند راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه.
۱۰. گرایش و رغبت عمومی مردم به دانش‌اندوزی.
۱۱. تحول در ایفای نقش زنان و امکان فعالیت سالم آنان در عرصه‌های مختلف علمی، پژوهشی، مدیریتی.
۱۲. نوع دوستی و احساس همدردی نسبت به هم‌نوع در کمک به نیازمندان اجتماعی همانند آسیب‌دیدگان از حوادث مترقبه طبیعی و راه‌اندازی مراسم‌های مختلف جشن نیکوکاری و عاطفه‌ها به منظور جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی مشارکت در حل مشکلات ابناء بشر.
۱۳. وجود محیط سالم و مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا.
۱۴. زدوده شدن مظاهر فساد و تباهی در مقایسه با قبل از انقلاب.
۱۵. تحکیم برادری و تعاون عمومی در میان شهروندان.

۳. چالش‌های فرهنگی

با وجود قوت‌ها و قابلیت‌های فرهنگی پیش‌گفته، آسیب‌های فرهنگی متعددی در جامعه ایران امروز یافت می‌شود که مهم‌ترین آنها در زیر بررسی می‌شود:

۱ / ۳. غرب آرمانی و از خودباختگی روشنفکران

برخی نخبگان روشنفکری و گروه‌های اجتماعی تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غرب به خویشتن خود و ارزش‌ها و قابلیت‌های فرهنگی بومی باور نداشته و ضمن شیفتگی وافر

به ارزش‌های حاکم بر جوامع غربی، بر تقلید افراطی از شیوه زندگی آنها اصرار و افتخار می‌کنند. این پدیده از زمان مشروطیت با سفرهای مختلف به مغرب زمین و برخورد آنان مظاهر تمدن غربی از یک سو و ترس یا سرسپردگی حکومت قاجار به قدرت‌های غربی از دیگر سو، در شماری از تحصیل‌کردگان غرب‌گرا شکل گرفت و در دوران حکومت پهلوی اول و دوم به اوج خود رسید. ناآگاهی مردم نیز بر موج غرب‌آرمانی به عنوان یک چالش فرهنگی زیان‌آور کمک‌شایان توجهی کرد. در انقلاب ایران این موج در مقاطع مختلف با شدت و ضعف در جریان بوده است. به‌عنوان نمونه در سالهای نخست انقلاب دبیر کل نهضت آزادی، ایده آرمانی خود در ارتباط با غرب را چنین توصیف کرد:

«زندگی که ما امروز داریم همه‌اش فرنگی است. طرز فکر ما، درس خواندن ما، مبارزه ما، انقلاب ما... تمام ارمان غرب است.^۱

در دوره اصلاحات نیز غرب‌آرمانی از نظر فرهنگی توسط افراد از خود بیگانه فرهنگی و چشم‌دوخته به مظاهر تمدن و فرهنگ غرب به طور فزاینده‌ای در مطبوعات مطرح و تبلیغ شد. به عنوان نمونه سروش درباره تمدن غرب چنین اعتقادی دارد:

«دست‌آورد تمدن اسلامی صرفاً پرورش فقها بوده است نه پیشرفت علوم دیگر؛ بر خلاف تمدن غربی که عالم پرور و تکنولوژی پرور است.»^۲

در داخل ایران، برخی جراید و ارباب قلم نیز به غرب‌گرایی دامن زده و می‌زنند. به عنوان نمونه، نشریه آبان به طور صریح در این رابطه اینچنین نوشت: «راه حل جامعه کنونی ایران در تبعیت از نظریه مدرنیسم است.»^۳ «اگر امریکا برای ما شیطان بزرگ است چطور برای قزاقستان یک فرشته است؟!»^۴

۲ / ۳. کجروی مدیران فرهنگی

یکی از آسیب‌های فرهنگی که در دهه سوم انقلاب و به طور مشخص در دوره موسوم به اصلاحات نظام جمهوری اسلامی را از درون به چالش کشاند، انحراف بعضی از مدیران و دست‌اندرکاران امور فرهنگی کشور، از اسلامیت نظام و تأکید و عمل آنها بر آموزه‌های مبتنی بر لیبرالیسم فرهنگی بود. تز تساهل و تسامحی که از سوی سطوح مختلف مدیران،

عمل به آن تأکید شد و باعث نگرش لیبرالی به مقوله فرهنگ گشت، کجروی مدیران فرهنگی از آرمانهای انقلاب اسلامی را به اثبات رساند.

مدیرانی که به بهانه «توسعه فرهنگی» سکان مدیریت فرهنگی کشور را در دست گرفتند^۵ زمینه بروز برخی آسیب‌های فرهنگی را فراهم کردند که شماری از آنها را بیان می‌کنیم:

۱. دلجویی و میدان دادن به عناصر طاغوتی در عرصه فرهنگ و مطبوعات همانند:

الف. غلامحسین صالحیار آخرین سردبیر روزنامه اطلاعات در زمان شاه که مقاله‌نویس روزنامه زنجیره‌ای توقیف شده توس شد. او در حال حاضر با مسعود بهنود ضمن همکاری با رادیو B.B.C با برخی نشریات دوم خرداد همکاری می‌کند.^۶

ب. بهمن فرمان‌آرا، کارگردان طاغوتی و همکار شوهر اشرف پهلوی که پس از ۲۰ سال اقامت در آمریکا به ایران بازگشت. او در دوره اصلاحات اولین فیلم خود در ایران را با نام «بوی کافور، عطر یاس» ساخت و در این فیلم مدعی شد که ایران تا قبل از خرداد ۷۶ بوی مرگ، نیستی و کافور می‌داد و پس از دوم خرداد بوی زندگی و عطر یاس به خود گرفته است. این فیلم در نوزدهمین جشنواره فیلم فجر با هدایت وزیر ارشاد وقت، مهاجرانی، برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم شد. وزیر ارشاد وقت هنگام اعطای جایزه به فرمان‌آرا گفت: این جایزه پیامی است برای همه هنرمندان ایرانی مقیم خارج که به ایران بازگردند و به تولید آثار هنری بپردازند.^۷

۲. میدان دادن به مطبوعات شبه‌افکن

مدیران فرهنگی کشور در دوره اصلاحات با صدور مجوزهای پی‌درپی به مطبوعات و نشریات نوظهوری که بعدها به مطبوعات زنجیره‌ای معروف شدند، پرده دیگری از کجروی خود را به نمایش گذاشتند، پس از آن که عملکرد براندازانه بسیاری از آنها محرز و از سوی قوه قضائیه حکم توقیف آنها صادر شد، مدیران یاد شده نه تنها با دلسوزان کشور و مقام معظم رهبری همراهی نکردند بلکه با موضع‌گیری انتقادی و جبهه‌گیری متمرده با دشمنان نظام نیز هم‌صدا شدند.^۸ به عنوان نمونه معاون وقت مطبوعاتی وزارت ارشاد در شهریور ماه ۱۳۷۸ در عکس‌العملی چنین گفت:

با توجه به شناخت و ارتباطی که دارم اصحاب مطبوعات کشور را افراد صالحی می‌دانم، اما متأسفانه افرادی که صلاحیت ندارند، ایراد بی‌مورد به مطبوعات می‌گیرند و اتهامات بی‌اساس به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وارد می‌کنند.^۹

آلبرایت، وزیر امور خارجه صهیونیست و یهودی الاصل امریکا نیز در یک موضعی مشابه با مدیران کجروی فرهنگی کشور در قبال توقیف مطبوعات زنجیره‌ای این چنین عکس‌العمل نشان داد:

روزنامه‌های اصلاح طلب آمریکا را دلگرم کرده بود، آن چه اکنون در ایران اتفاق می‌افتد (توقیف روزنامه‌ها)، آمریکا را بسیار نگران کرده است.^{۱۰}

این در حالی بود که رهبری فرزانه انقلاب در جلسات و نشست‌های مختلف مراتب ناخرسندی و اعتراض خود را در این ارتباط به مدیران فرهنگی لیبرال کشور اعلام کرد.

ایشان فرمودند: «بعضی از این مطبوعاتی که امروز هستند پایگاه‌های دشمن‌اند، همان کاری را می‌کنند که رادیو و تلویزیون بی‌بی‌سی و آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند بکنند.»^{۱۱} ایشان در جای دیگر فرمود: «من از وزارت ارشاد راضی نیستم.»^{۱۲}

در هر حال بعضی از مدیران فرهنگی کشور در دوران اصلاحات با اعطای وام‌ها، توزیع اقلام فرهنگی سوبسید دار، فراهم ساختن فرصت‌ها و نیز انجام حمایت‌های معنوی از چهره‌های شاخص ضد فرهنگی^{۱۳} به جای آنکه ترویج و اشاعه آموزه‌های فرهنگی اسلام باشند، در عمل در اغلب موارد بر ضد آن گام برداشتند.

۳ / ۳. خطر انقطاع فرهنگی نسل جوان و تضعیف ارزشها در جامعه

در حال حاضر، از یک منظر شهر وندان جمهوری اسلامی ایران به سه دسته قابل تقسیم هستند:

دسته اول بادرک رژیم شاهنشاهی، علیه آن اقدام پرخاشگرانه عملی کرده که به «نسل مبارزه» و «عامل انقلاب» معروف است. دسته دیگر ضمن درک فرهنگ و ارزشهای انقلاب در دهه بحرانشا با نقش آفرینی در هشت سال دفاع مقدس به عنوان دسته دوم یا «نسل مدافعین انقلاب» معروف شده است. نسل سوم که پس از جنگ در عرصه سیاسی کشور ظاهر شده به «نسل سوم یا وارثان انقلاب» مشهور است. در واقع نسل اول عامل انقلاب،

نسل دوم حافظ انقلاب و نسل سوم وارثان انقلاب اسلامی هستند. به طور قطع یکی از لوازم و ضرورت‌های استمرار انقلاب اسلامی پیوند فرهنگی میان این نسل‌ها است.

اگرچه سخن گفتن از شکاف فرهنگی نسلی در ایران به مطالعات میدانی دقیق نیاز دارد^{۱۴} ولی مقایسه آرمانها، نگرش‌ها و مطالبات نسل سوم یا نسل‌های قبلی تا اندازه‌ای بر وجود خطر بروز انقطاع فرهنگی میان آنها حکایت دارد. به عنوان نمونه بر روی درصد بالایی از ظروف، وسایل منزل، لوازم خانگی، لوازم التحریر، البسه، کیف مدارس و غیره که در ایران فروخته می‌شود عبارت انگلیسی و یا تصاویری بیگانه نقش بسته است. فروشندگان نیز علاقه مشتریان را دلیل این کار می‌دانند. به نظر می‌رسد طیفی از نسل جدید کشور از بسیاری جهات با نسل دهه پنجاه و شصت شمسی تفاوت فکری دارد به نحوی که دلبستگی اینان لزوماً دلبستگی آنان نیست. در واقع دقت در وضعیت پیش آمده نشان دهنده آن است که اصولاً ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در دوران پس از جنگ تحول چشمگیری یافته است.

تأکید بر این نکته ضروری است که در شکل‌گیری شکاف فرهنگی نسلی و انقطاع ارزش پیش آمده میان نسل سوم با دو نسل گذشته سستی و بی‌برنامگی مدیران فرهنگی در داخل کشور و تهاجم فرهنگی دشمن از خارج نقش آفرین بوده است.^{۱۵} شاید یکی از شاهکارهای رئیس دولت نهم بازگرداندن اصل امید به جوانان و ترمیم شکاف میان نسل سوم با دو نسل قبلی باشد.

۳/۴. حاکمیت فرهنگ ترجمه در محافل علمی

با وجود آن که در طی سالهای پس از انقلاب، گرایش و رغبت چشمگیر به وجود آمده برای تحصیل علم در کشور به عنوان یک نقطه قوت فرهنگی محسوب می‌شود یک آسیب جدی نیز از نظر فرهنگی با عنوان «حاکمیت ترجمه» بر محیط‌های علمی اعم از آموزشی و پژوهشی کشور سایه افکنده است. این پدیده نابهنجار فرهنگی در قالب ترجمه آثار غربی و تبلیغ و توزیع آن به جای تحقیق و پژوهش داخلی و بومی سازی اندیشه‌ها و معلومات علمی آموزشی مفهوم می‌یابد.

مقام معظم رهبری ضمن درک این آسیب، مسئولان و متولیان علمی - فرهنگی کشور، اعم از حوزویان و دانشگاهیان را برای جبران این عقب ماندگی تاریخی به راه اندازی «جنبش نرم افزاری» توصیه فرمودند. چنین جنبشی که به تعبیر مقام معظم رهبری جزو آرمانهای انقلاب است، تحولی حساب شده در حوزه فکری و اندیشه برای تولید و اجتهاد علمی است.^{۱۶}

۵ / ۳. فرار مغزها

امروزه یکی از واقعیت‌های دردناکی که جهان سوم از آن رنج می‌برد، خروج نیروهای متخصص و برخوردار از فنون و نوآوری‌های روز و مهاجرت آنان به کشورهای توسعه یافته اروپا و امریکا است. این مهاجرت‌ها روز به روز گسترش می‌یابد و کشورهای در حال توسعه را با کمبود نیروهای کارآمد و ماهر فنی برای اجرای برنامه‌های توسعه و رشد اقتصادی، فرهنگی و... مواجه می‌کند.

نیروهای علمی متخصص و برخوردار از مهارت‌های تکنولوژیک به عنوان سرمایه‌ها و ذخیره‌های مادی و معنوی هر کشوری به حساب می‌آیند. از این رو کشورهای سالانه مبالغ و امکانات زیادی را صرف تربیت و پرورش آنها می‌کنند. امروزه اعزام دانشجویان به خارج برای ادامه تحصیلات و به دست آوردن تجربه و مهارت در انواع علوم و فنون به عنوان یک روش جا افتاده و شناخته شده تربیت و پرورش نیروی ماهر انسانی می‌باشد، اما موضوع مهم و اساسی این است که هر کشوری بتواند با برنامه ریزی و طرح‌های لازم و فوری از نیروهای کارآمد، تجربه دیده و تحصیل کرده خود استفاده بهینه و لازم را به عمل آورد.

در کشور ما نیز طی سالهای گذشته بخصوص در طی سال‌های پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ ه.ش به طور روز افزون پدیده «فرار مغزها» و مهاجرت تحصیل کرده‌ها و متخصصان آثار زیان باری را بر ایران در بر داشته و تصویری نامأنوس و مخدوش از جامعه اسلامی ارائه کرده است. فرار مغزها از آن حیث برای نظام جمهوری اسلامی آسیب فرهنگی محسوب می‌گردد که مهاجرین متخصص، عموماً با رویکردی مبتنی بر ناباوری فرهنگی به جامعه خویش ترک وطن می‌کنند. برخی آمارها حکایت از آن دارند که سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر برای خروج از کشور اقدام می‌کنند تا حدی که ایران در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و

توسعه نیافته، رتبه اول فرار مغزها را دارا است. و از میان ۱۲۵ دانش‌آموز المپیادی حدود ۹۰ نفر در دانشگاه‌های اروپا و امریکا تحصیل می‌کنند.^{۱۷}

بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول طی سال ۱۳۷۹ روزانه به طور متوسط ۱۵ نفر با درجه کارشناسی ارشد و ۲/۳ نفر با درجه دکتری از ایران ترک وطن کرده‌اند. در ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۸، ۱۶۶۴ نفر از افراد دارای تحصیلات علوم پزشکی برای خروج از ایران اقدام نموده‌اند و از مجموع ۴۳۰۰ نفر دانشجویی که برای ادامه تحصیل در سالهای ۶۴ تا ۷۲ به خارج از کشور رفته‌اند ۱۲ درصد آنان هنوز به کشور باز نگشته‌اند. هم چنین از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷ تعداد ۱۵۱ نفر عضو هیأت علمی دانشگاه‌های ایران از کشور خارج شده و باز نگشته‌اند.^{۱۸}

۳/۶. ناهنجاری‌های فرهنگی اجتماعی

ارزشهای فرهنگی خاص هر جامعه، ریشه در اعتقادات مردم آن جامعه دارد. در صورتی که افراد جامعه عملکرد رفتاری خود را با ارزشهای حاکم بر جامعه منطبق و هماهنگ سازند، رفتار شهروندان آن جامعه «بهنجار» و در غیر این صورت «ناهنجار» است.

مدگرایی، خانه‌گریزی جوانان، افزایش طلاق، گسترش اعتیاد و مانند آن، مهم‌ترین ناهنجاریهای فرهنگی اجتماعی جامعه ما را تشکیل می‌دهد که در ادامه به بررسی مختصر آنها می‌نشینیم:

۱-۶-۳. مدگرایی

نوگرایی یکی از تمایلات فطری و کشش‌های درونی بشر و عامل پیشرفت آن به حساب می‌آید که در صورت خارج شدن از مسیر اعتدال و افراط‌گرایی در آن تبدیل به رفتار نابهنجاری خواهد شد. آن چه در این بحث مورد نظر است، ملاحظه جنبه‌های فرهنگی و ارزش بومی از سوی شهروندان در نوگرایی است. زیرا نوگرایی تقلیدی یا مدگرایی جعلی بدون توجه به مختصات فرهنگ بومی (دینی-ملی) به دلیل اصیل نبودن و منطبق نبودن با ارزشهای جامعه، ضعف درونی فرهنگی تلقی می‌شود. به عنوان مثال تصور دختران و پسرانی که با لباسهای مختلف و با مارکها و اشکال مختلف گوناگون هر روز به دنبال مدی جدید هستند، از مصادیق نوگرایی بومی خارج و به عنوان مد جعلی به حساب می‌آید.^{۱۹}

یکی از آسیب‌های بسیار پیچیده اجتماعی که مراکز رسمی و غیر رسمی در کلان‌شهر تهران و با درجات کمتر در دیگر شهرهای کشور با آن درگیر هستند، پدیده خانه‌گریزی نوجوانان و جوانان است. تا حدی که بنابر آماری، ۵۲ درصد از دختران فراری را شهر تهران و شهرهای مشهد و کرج هر کدام ۶ درصد و سایر شهرها ۳۶ درصد از دختران فراری را در خود جای داده است.^{۲۰}

این پدیده عموماً در میان دختران بیش از پسران رواج دارد، از این رو به پدیده «دختران فراری» یا «دختران خیابانی» شهرت دارد. خانه‌گریزی تنها به فرار از خانه محدود نمی‌شود بلکه پیامدهای تلخ و زیان‌بار اجتماعی دیگری نیز به دنبال دارد که افتادن در دام اعتیاد و شبکه‌های فساد و قاچاق به کشورهای پیرامون از جمله آنهاست.^{۲۱}

آمارهای تکان‌دهنده‌ای بطور رسمی و غیر رسمی از جانب منابع موثق و غیر موثق، در رسانه‌های داخل و خارج از کشور پیرامون این پدیده زشت بیان می‌شود که در بعضی موارد بزرگ‌نمایی و رگه‌هایی از سیاه‌نمایی وضع موجود برای نیل به مقاصد سیاسی در ذکر آنها یافت می‌شود. اما آنچه قابل‌کتمان نیست واقعیت خارجی وجود این پدیده تلخ است که زینده‌جامعه اسلامی ما نیست. بر اساس یک تحقیق، در چهار ماهه منتهی به سال ۸۰، بیش از ۶۰ هزار دختر نوجوان فراری توسط نیروی انتظامی دستگیر شده‌اند که گفته می‌شود آمارهای واقعی بیش از اینهاست.^{۲۲} به گفته مدیر کل نگهداری دختران فراری در تهران سن دختران فراری به ۹ سال رسیده است.^{۲۳} معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی نیز مدعی شد که اگر چه در حال حاضر بیشترین فراوانی سنی دختران فراری در سنین ۱۵ تا ۲۴ ساله است، اما متأسفانه در میان مواردی که برای ساماندهی به مراکز بهزیستی ارجاع داده می‌شوند، دختران فراری در سن ۱۳ سال هم دیده می‌شوند.^{۲۴}

آسیب‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان مهم‌ترین علل فرار از خانه را به ترتیب اهمیت این‌گونه بر شمرده‌اند:

۱. اختلاف با والدین و فرار از کتک خوردن؛

۲. مسائل عاشقانه؛

۳. اختلاف با نامادری و ناپدیری؛

۴. مشکلات در امر ازدواج.^{۲۵}

این ضعف فرهنگی عمده نیز در حالی که بخش عمده‌ای از اصلاح‌طلبان بر آزادی بی‌قید و شرط و بدون لحاظ کردن ارزش‌های بومی تأکید می‌کردند، سبب رویگردانی مردم از آنها و اقبال به سمت شعارهای آقای احمدی‌نژاد شد.

۳-۶-۳. افزایش طلاق

انسان در سیر تکاملی خود در مقطعی از زندگی که دوران جوانی نامیده می‌شود برای ارضای غرائز طبیعی و جنسی و نیز استمرار نسل‌ها و فرزند آوری و مهم‌تر از همه اینها نیازمند به تشکیل خانواده با جنس مخالف خود از طریق ازدواج است. در صورتی که شرایط فردی و اجتماعی برای تحقق چنین امر خطیری در هر جامعه‌ای فراهم آید رفتار بهنجار اجتماعی از این حیث در آن جامعه ایجاد و گسترش خواهد یافت.

طلاق و گسترش روز افزون این پدیده نابهنجار از نظر فرهنگی نقطه ضعف جدی برای جامعه ایران در قبل و بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ محسوب می‌شود که برخی آمارهای تکان‌دهنده حکایت از افزایش بی‌رویه پدیده شوم طلاق در کشور ما در دوران حاکمیت اصلاح‌طلبان داشت.

آمار طلاق به طور فزاینده‌ای در حال گسترش است، به نحوی که از هر چهار ازدواج در تهران یک مورد به طلاق می‌انجامد. کشورهای امریکا، دانمارک و مصر به ترتیب پر طلاق‌ترین کشورهای جهان هستند که ایران پس از آنها در رتبه چهارم قرار دارد؛ اما با آمار طلاقی که در حال رشد است، ممکن است ایران حتی به رتبه دوم و سوم صعود کند. آخرین آمارهای اعلامی بیانگر واقعیت تلخی است که در صورت عدم پیشگیری و درک وضعیت، پیامدهای زیانبار غیر قابل‌جبرانی در پی خواهد داشت.

بر اساس آخرین آمار اعلام شده توسط قوه قضائیه، تعداد ازدواج و طلاق در سال ۱۳۸۲ به برابری رسیده و سخنگوی قوه قضائیه در جمع خبرنگاران اعلام کرد که در سال ۱۳۸۲ جمعاً ۶۰۴/۴۰۸ فقره طلاق در دفاتر رسمی به ثبت رسیده، در حالی که میزان ازدواج ثبت شده در این مدت ۶۰۵/۴۶۷ فقره بوده است.^{۲۶} بیکاری، اعتیاد، فساد، نزاعهای

خانوادگی، دخالت‌های اطرافیان، چشم و هم‌چشمی و توقعات بی‌جای طرفین، از عوامل اصلی طلاق است.^{۲۷} بسیار طبیعی است که بی‌توجهی به مشکلات و مطالبات اقتصادی مردم و پرداختن صرف به مقوله‌های سیاسی سبب رویگردانی مردم از اصلاح‌طلبان خواستار توسعه سیاسی اما بی‌توجه به ضعف‌های فرهنگی - اجتماعی از یک سو و گرایش به سمت نامزد مبلغ عدالت‌خواهی از دیگر سو گردد.

۴-۶-۳. گسترش اعتیاد

فردی که در اثر مداومت و افراط در استعمال یک داروی خاص خویشتن داری خود را از دست دهد و این کار او به حالت خود و اجتماع ضرر و زیان برساند به چنین فردی که عادت به استفاده از آن مواد پیدا کرده معتاد می‌گویند. تریاک، هرئین، حشیش و قرصهای شادی آور از جمله مواد اعتیاد آور هستند. اعتیاد به عنوان یک پدیده ناهنجار اجتماعی، بر عقل و جسم معتاد و اطرافیان او آثار زیان باری را بر جای می‌گذارد.

طی سالهای گذشته به ویژه در دوره اصلاح‌طلبان این بلای خانمان سوز به طور روز افزونی در کشور ما افزایش یافته است. بنابر برخی آمارها، در سال ۱۳۷۹ تعداد معتادان دو میلیون نفر و میانگین سن آنان هجده سال در کشور بود که ۵۰ درصد آنان را افراد زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دادند.^{۲۸} بنابر گزارشی در شهریور ماه ۱۳۸۲، خسارت ناشی از اعتیاد و مصرف مواد مخدر در کشور، ۱۵۰۰ میلیارد تومان در سال است و هر دو ماه حدود ۲۲۱ جسد معتاد مجهول‌الهویه از سطح شهر تهران جمع‌آوری می‌شود.^{۲۹} و در هر سال حدود ۲۰۰ هزار نفر قربانی اعتیاد تریقی در کشور می‌شود. در یک حالت خوش‌بینانه حتی اگر کمترین آمار معتادان که از سوی منابع رسمی تأیید می‌شود را مبنای قرار دهیم، حدود دوازده میلیون نفر از هم و وطنان به نحوی مستقیم و غیر مستقیم با پدیده شوم اعتیاد درگیر هستند.^{۳۰} کسب و جهت اجتماعی، جلب توجه دیگران، بیکاری، عدم تمکن مالی و ناسازگاری والدین از جمله مهمترین عوامل گرایش فرد به اعتیاد است.^{۳۱} ناهنجاریهای اجتماعی همانند مد گرایی، خانه‌گریزی، طلاق و اعتیاد که تنها بخش اندکی از ابعاد دلخراش آن تا به اینجا بیان شد، زنگ خطری را به صدا در می‌آورد که در صورت بی‌توجهی مسئولان و مردم و

گسترش روز افزون دامنه آنها، فروپاشی سرمایه اجتماعی کشور را به دنبال خواهد داشت که خود نقاط ضعف فرهنگی دیگری را سبب خواهد شد. با عنایت به این واقعیت، اکثریت مردم ایران در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری از اصلاح طلبان رویگردان و به سمت آقای احمدی نژاد که وعده حل مشکلات ملموسی آنها را می داد، اقبال نمودند.

۷-۳. سایر آسیب‌ها و نقاط ضعف فرهنگی

امروز علاوه بر آسیب‌های فرهنگی پیش گفته، موارد دیگری از ضعف‌های فرهنگی - اجتماعی در کشور ما وجود دارد که به جهت اختصار، به صورت کلی به آنها اشاره می‌شود:

۱. بی‌اعتنایی تعدادی از مسئولان و مدیران کشور به ارزش‌های دینی و روی آوردن به تجمل‌گرایی، فخر فروشی و رانت‌خواری که باروی کارآمدن دولت نهم به تدریج در حال ریشه کنی است.

۲. فقدان الگو سازی فرهنگی در حوزه‌های خدمت رسانی به مردم، وجدان کاری و پشتکار ملی، حفاظت از ذخایر زیر زمینی، حفاظت از محیط زیست، تکریم ارباب رجوع، حفظ کرامت و حرمت شهروندان.^{۳۲}

۳. شیوع تبعیض و بی‌عدالتی اجتماعی در حوزه‌هایی نظیر اشتغال، توزیع درآمد، انتصاب مدیران و نابرابری فرصت‌ها.^{۳۳}

۴. عدم تناسب میان توانمندی ابزاری و تکنولوژی ارتباطی با رقبای دشمنان در عرصه‌های اینترنت، کامپیوتر، ماهواره و مخابرات.^{۳۴}

۵. ناکافی بودن تولیدات فرهنگی ارزشی.^{۳۵}

۴. تهدیدات فرهنگی

مقاصد، قابلیت‌ها، ظرفیتها و اقدامات گوناگون فرهنگی رقبای دشمنان نظام جمهوری اسلامی که در عرصه خارجی به منظور جلوگیری از موفقیت و ایجاد مخاطره در دستیابی به مقاصد، علایق، منافع بیشمار و امنیت ملی کشور جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، تهدیدات فرهنگی به حساب می‌آید که مهم‌ترین آنها در زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۲/۱. شبیخون فرهنگی

پس از پایان جنگ تحمیلی و اثبات ناکارآمدی عملیات سخت‌افزاری علیه انقلاب اسلامی، دشمنان نظام اسلامی اعم از ایالات متحده، برخی کشورهای اروپایی و گروه‌های ضد انقلاب خارج نشین، خط مشی نرمی را برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی از درون در پیش گرفتند که با مشخص شدن ابعاد آن، «تهاجم فرهنگی» و یا «شبیخون فرهنگی» نام گرفت.

رہبر فرزانه انقلاب، تهاجم فرهنگی را به معنایی می‌داند که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیرکردن یک ملت به بنیان فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد.^{۳۶} از نگاه ایشان، اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا برای انحراف جوانان از سوی دشمن نه تنها یک تهاجم فرهنگی بلکه یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است.^{۳۷} تمامی ملت‌های جهان در کنش، واکنش و تعامل با یکدیگر هستند، هیچ یک از جوامع بشری را نمی‌توان از داشتن رابطه با سایر جوامع باز داشت. در این صورت، در مقابل تهاجم فرهنگی که در صدد وارد ساختن ضربات مهلک و زیان بار بر فرهنگ ملت دیگر است، تبادل فرهنگی وجود دارد، که عبارت است از یک جریان مداوم طبیعی و مستمری که هدف آن کامل کردن فرهنگ خودی از طریق استفاده و بهره‌مندی از خصوصیات برتر سایر فرهنگ‌هاست. هدف مهاجمان به فرهنگ ایران اسلامی، بر اندازی نظام جمهوری اسلامی و تهی کردن ارزش‌های آن و مسخ جوانان کشور است. دیوید کیو یکی از مهره‌های سازمان سیا در ارتباط با هدف نهایی تهاجم فرهنگی امریکا علیه ایران چنین می‌گوید:

«مهمترین حرکت در بر اندازی جمهوری اسلامی ایران، تغییر فرهنگ فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم»^{۳۸}

نخست وزیر وقت اسرائیل در تابستان سال ۱۳۸۱، از کنگره امریکا خواست تا امریکا از طریق تهاجم تبلیغات ماهواره‌ای نظام جمهوری اسلامی را تغییر دهد.^{۳۹}

دشمن در تهاجم فرهنگی علیه فرهنگ کشور ایران از ابزارها و شیوه‌های نوین ارتباطی زیر بهره می‌گیرد.

۱. دروغ‌پردازی در اینترنت؛^{۴۰}
۲. تهیه و ارسال برنامه‌های نرم‌افزاری؛^{۴۱}
۳. تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی؛^{۴۲}
۴. چاپ و انتشار کتب و نشریات؛
۵. حمایت و پشتیبانی از نویسندگان و فیلم‌سازان دگر اندیش؛

۲ / ۲. جهانی‌سازی و ناتوی فرهنگ

جهانی‌سازی فرهنگ غربی، می‌تواند بسیاری از کشورها را با چالش مواجه کند؛ زیرا جهانی‌شدن فرهنگ به مفهوم گسترش فرهنگ امریکا و اروپا در پهنه جهان است. از این رو تضعیف بنیان‌های فرهنگی یک ملت از طریق جهانی‌سازی فرهنگ امکان‌پذیر می‌شود در واقع ترویج فرهنگ امریکایی و اروپایی در متن جهانی‌سازی قرار دارد.

فرهنگ امریکایی خود را برترین فرهنگ می‌داند و در صدد است به شیوه‌ها و ابزارهای مختلف به فرهنگ مسلط جهانی تبدیل نماید، اندیشه سلطه جویانه فرهنگ امریکایی می‌تواند تأثیر زیان‌باری بر روی سایر فرهنگ‌های محلی، از جمله ایران بر جای گذارد. برخی از آثار زیانبار این پدیده عبارتند از:

۱-۲-۴. رهبری ایدئولوژیک

فرهنگ امریکایی در پی دستیابی به رهبری ایدئولوژیک جهانی است و نگاه تک بعدی و مادی‌گرایانه به انسان دارد. بر این اساس در حوزه رهبری ایدئولوژیکی امریکایی نیز همه تجزیه و تحلیل‌ها در حیطه فناوری مادی، و همه دل‌مشغولی‌ها محدود به بهینه‌سازی و بهره‌وری این دنیایی است. در این فرهنگ که نقش پالایشگاهی پیدا می‌کند، تنها همراهان این فرهنگ هستند که تشخیص می‌دهند چیزی خالص و درست و یا ناخالص و نادرست است. با این رویکرد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی فرهنگ‌سازان امریکایی مشروع جلوه می‌کند.^{۴۳}

۲-۲-۴. همسان‌سازی فرهنگی

متولیان امریکایی در تلاش‌اند تا ارزش‌های همسو و همگن امریکا را در کشورهای اسلامی و ایران پدید آورند. در صورت تحقق این همسویی، تفسیر واحدی از پدیده‌های

پیرامون بین مردم و مسئولان کشور صورت می‌گیرد و این آغاز تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرهنگی است. یکی از راه‌های همسان‌سازی فرهنگی، هویت‌زدایی فرهنگی است. در واقع مسخ تاریخی یا هویت‌زدایی تاریخی یکی از راه‌های جهانی‌سازی فرهنگ است که در صدد پاک‌سازی گذشته افتخارآمیز و ایجاد بی‌تفاوتی نسبت به آینده از ذهنیت یک ملت و محصور کردن آن در روزمرگی است.^{۴۴}

۳ / ۲. غربی‌سازی فرهنگی

در جهانی شدن در صدد هستند تا سایر ملت‌های غیر غربی از جمله ایران، از فرق سر تا نوک پا، فرنگی شوند. به تعبیر دیگر جهانی‌سازان غربی به سایر ملت‌ها القاء می‌کنند که هر چه دارند بر زمین بگذارند؛ زیرا تنها راه نجات و یا دستیابی به توسعه پیروی از فرهنگ غرب است. آنها برای نیل به غربی‌سازی ایران و جهان، به تولید و تجارت کالاهای فرهنگی بیش از پیش توجه می‌کنند.

از آنجا که در فرایند جهانی‌سازی، کالاهای فرهنگی ارزان، گسترش دهنده تفکر سرمایه‌داری و سمبل فرهنگی غرب است، شیوه تولید برای عرضه کالاهای صنعتی ارزان به کالاهای فرهنگی ارزان متحول گردیده است.^{۴۵}

۵. سایر تهدیدات فرهنگی

۱. گسترش ابتذال در کشورهای پیرامونی و کشیده شدن دامنه آن به داخل؛
۲. ایجاد جاذبه و انگیزه کاذب در فرهیختگان علمی و فرهنگی و تشویق آنان برای خروج از کشور؛
۳. تقویت و پشتیبانی از فرقه‌های ضالّه در ایران.

با عنایت به فروپاشی شوروی سابق و شکست و ناکارآمدی ایدئولوژی مارکسیستی و همچنین گریبانگیر شدن چالش‌ها و بروز ضعف‌ها و تضادهای درونی مکتب لیبرالیسم، شایسته است متولیان و دستگاه‌های فرهنگی نظام جمهوری با درک فرصت پیش آمده از طریق تبلیغ آموزه‌های دین مبین اسلام، تهدید تهاجم و شبیخون فرهنگی علیه نظام را

تبدیل فرصت و سرانجام قوت نمایندند. در پایان برای عملی ساختن پیشنهاد فوق، راهکارهای زیر توصیه می‌گردد:

۱. راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی، ماهواره‌ای و اینترنتی.
۲. اعزام سازماندهی شده و مستمر مبلغان مذهبی به کشورهای اسلامی و غیر اسلامی.
۳. اعزام محققان و دانش‌پژوهان به سمینارها و کنفرانس‌های هم‌اندیشی دینی و اسلامی در سطح بین‌الملل.
۴. برقراری ارتباط با پیروان دین مبین اسلام در ایامی همانند موسم حج.

پی‌نوشتها:

۱. نهضت زنان مسلمان، مواضع نهضت آزادی در برابر انقلاب اسلامی، ص ۲۴.
۲. نشریه کیان، مهر و آذر ۷۸، شماره ۴۹، ص ۹-۱۰.
۳. ماهنامه دنیای سخن، مرداد ۷۷.
۴. هفته نامه آبان، شهریور ۷۷.
۵. در رأس این جریان، مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت خاتمی که هم اینک پناهندگی انگلستان را گرفته، قرار داشت.
۶. روزنامه کیهان، ۱۶ / ۷ / ۷۸.
۷. همان.
۸. حمید رسایی، پایان داستان غم‌انگیز، ص ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۱.
۹. صبح امروز، ۷۸/۶/۲۷.
۱۰. ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۴۶.
۱۱. سیری در مطبوعات، ش ۲۳، ص ۳.
۱۲. جمعی از روحانیون حوزه علمیه قم، آزادی یا توطئه، چاپ پنجم، ص ۴۶.
۱۳. مانند اعطای وام به بهروز افخمی نماینده مجلس ششم و کاندیدای رد صلاحیت شده مجلس هفتم، جهت راه‌اندازی تلویزیون خصوصی در خارج از کشور.
۱۴. ر.ک: ناصر مردان پور، پروژه تحقیقی، بحران هویت و انقطاع فرهنگی (قم)، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۵. برای اطلاع بیشتر ر.ک: خراسان ۷۹/۲/۳۱؛ نامه پژوهش شماره ۱۴ و ۱۵ مقاله «بررسی مسائل روانی اجتماعی تهاجم فرهنگی بر نوجوانان و جوانان»؛ صدای زن، ش ۲ و ۳.
۱۶. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: رسالت ۸۲/۷/۸؛ کیهان ۸۲/۶/۱۱.
۱۷. روزنامه شرق، ۸۲/۹/۲۲ و ر.ک: نشریه آفرینش ۸۱/۲/۵؛ دوران امروز ۷۹/۱۲/۱۴.
۱۸. مجله الکترونیکی تکاپو.
۱۹. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: «دختران جوان و گرایش به مده»، روزنامه خراسان، ۷۹/۱۱/۲۳؛ «آرایش مد یا یک اعتراض خاموش»، روزنامه همبستگی ۱۸ و ۸۱/۷/۲۰.
۲۰. سایت نقشیه.

۲۱. «خانه دوست کجاست»، حیات نو اقتصادی ۸۲/۶/۳.
۲۲. روزنامه خراسان ۸۱/۹/۱۰.
۲۳. روزنامه توسعه ۸۱/۹/۲۱.
۲۴. خبرنامه شماره ۸۵۰ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. سایت نقشیه.
۲۶. روزنامه اعتماد، ۱۳۸۲/۱۲/۲۷.
۲۷. برای اطلاعات بیشتر و.ک: نشریه آبادی ۱۳۸۲/۴/۴؛ نشریه دادرسی، ش ۲۲، سال چهارم، بهمن و اسفند ۱۳۷۹.
۲۸. خراسان، ۷۹/۲/۲۹.
۲۹. معاونت سیاسی نیروی مقاومت بسیج، ماهنامه هدایت، شماره ۱۸، ص ۹۸.
۳۰. روزنامه همبستگی ۸۲/۶/۲۹.
۳۱. خراسان ۷۹/۲/۲۹ خراسان ۷۹/۲/۲۱.
۳۲. نشریه آسیا، ۸۱/۱۱/۲ و ۸۱/۱۰/۷؛ استاندارد، شماره ۱۳۴؛ اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۸۳ و ۱۸۴.
۳۳. نشریه شما، شماره ۱۸۵؛ رسالت ۷۹/۵/۹.
۳۴. ابرار ۸۱/۴/۱۲.
۳۵. خراسان ۷۹/۲/۳۱.
۳۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۷/۲۱.
۳۷. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۷۷/۴/۲۲.
۳۸. ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۴۶.
۳۹. روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۷/۱۶.
۴۰. دین چنبر، «مستهلج نگراری در اینترنت و تأثیر آن بر نوجوانان»، مجله سیاحت غرب، شماره ۱۲، ص ۳۶؛ زندراهاقس، اینترنت، دروغ‌پردازی و روابط عاشقانه، همان، ص ۴۳.
۴۱. علیرضا سربخش، «شبیخون فرهنگی از اینجا آغاز می‌شود»، روزنامه کیهان ۱۳۸۲/۷/۱۶.
۴۲. عبدالله شهبازی، جنگ سرد فرهنگی، روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۴/۳.
۴۳. حسین دهشیار، «جهانی شدن: تک‌هنجاری‌طلبی ایالات متحده امریکا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۴، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۷۹، ص ۴۳۷-۴۵۷.
۴۴. همان.
۴۵. ولایتی و دیگران، «فرایند جهانی شدن، آثار و پیامدهای آن»، ماهنامه مونت، ش ۴۴، مرداد ۱۳۸۰، صص ۸۰-۹۳.